

## علل و عوامل روانی جرم از منظر قرآن کریم

محمدهادی نبوی \*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۳/۶

تاریخ تأیید مقاله: ۹۱/۶/۲۳

### چکیده:

وجود امنیت در هر جامعه، مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل تضمین رشد و توسعه پایدار و مطلوب است، در حالی که جرم مهم‌ترین دشمن امنیت اجتماعی است و افزایش آن؛ رابطه منفی با امنیت دارد.

در سال‌های اخیر، افزایش تغییرات در الگوهای سنتی، خطر درگیری عموم به‌ویژه جوانان را در فعالیت‌های جنایی افزایش داده است. افزایش رفتارهای بزهکارانه دولت‌ها را به چاره‌جویی و تلاش برای یافتن راه‌حل وادار می‌کند که جرم‌انگاری ابتدایی‌ترین واکنش قوه عمومی را تشکیل می‌دهد؛ ولی تدوین قوانین کیفری باید آخرین راه‌حل و نه اولین آن در مبارزه با بزهکاری باشد. جرم‌انگاری نامتناسب نه تنها راه‌حل مؤثر نیست؛ بلکه موجب خلق کجروی‌های جدید می‌گردد، به همین علت است که امروزه به پیشگیری از جرم که از مهم‌ترین اقدامات در مبارزه با جرم به حساب می‌آید توجه بیشتر می‌شود و پیشگیری از جرم بخش قابل توجهی از ادبیات جرم‌ستیزی را در عصر ما تشکیل می‌دهد.

برای هرگونه پیشگیری از وقوع جرم توجه به علل تحقق جرم، بسیار مهم است و این نوشتار درصدد است که عوامل روانی جرم را با تکیه بر قرآن کریم به تصویر بکشد و در همین راستا توانسته است که به دوازده عوامل روانی به‌وجود آورنده گناه و جرم از جمله حسد و تکبر دسترسی پیدا کند.

**واژگان کلیدی:** عوامل روانی، جرم، قرآن کریم، گناه و پیشگیری.

تاریخ بشر نشان‌دهنده آن است که جرم جزء جدایی‌ناپذیر جوامع انسانی بوده است و از برخی آیات قرآن استفاده می‌شود که با شکل‌گیری اولین خانواده بشری بر کره زمین، اولین جرم نیز به‌وقوع پیوست (مائده / ۲۷)؛ اما این پیوستگی هیچ‌گاه مانع از آن نشده که انسان‌ها به شناسایی علل جرم و راه‌های پیشگیری از آن نپردازند. توجه به این مهم مختص انسان‌های عادی نبوده، بلکه ادیان الهی و برگزیدگان خداوند نیز همواره به این مسئله توجه داشته‌اند، چنانکه دین اسلام به عنوان دین خاتم که همه سازوکارهای زندگی بشری را با خود به همراه دارد، در بردارنده مفاهیم پیشگیری از گناه و جرم بوده و بیان‌کننده علل و عوامل آن است (خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۶۹ و میرخلیلی، ۱۳۸۳: ۶۲).

عوامل مختلفی در بروز جرم می‌تواند تأثیرگذار باشد که تعداد یا میزان اهمیت هر یک از این عوامل در جوامع گوناگون به دلیل وجود تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی متفاوت است. این عوامل را در یک تقسیم کلی، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) عوامل فردی یا زیستی از قبیل جنس، سن و اندام،  
 ب) عوامل روانی از قبیل ضعف ایمان به قیامت، بدبینی، پرخاشگری، زودباوری و ترس،  
 ج) عوامل اجتماعی از قبیل خانواده نابسامان، ناسازگاری والدین گروه مرجع، مهاجرت و مطبوعات.

بین اندیشمندان در زمینه تعداد یا میزان نقش این عوامل، اجماع و اتفاق نظر وجود ندارد و هر یک از این‌ها با توجه به نوع گرایش و تخصص خود به این مسئله نظر افکنده و دسته خاصی از این عوامل را تنها مؤثر در ارتکاب اعمال مجرمانه دانسته یا بیش‌ترین اهمیت را برای آن قائل شده‌اند.

رفائل گاروفالو (۱۹۷۸) از معتقدان تأثیر عوامل روانی در ارتکاب بزه است (شعاع کاظمی، ۱۳۸۵). بررسی و شناخت عوامل روانی جرم مربوط به دانش روان‌شناسی جنایی است. از جمله رسالت‌های این دانش بررسی منش و شخصیت بزهکار و ارزیابی گرایش‌های ضداجتماعی و مطالعه روان خودآگاه و ناخودآگاه آنان به‌منظور تعیین مسئولیت اخلاقی و اجتماعی‌شان است.

عوامل درونی بزهکاری با ویژگی‌های خود قابل تفکیک به دو گروه ارثی و اکتسابی هستند. عوامل ارثی شامل خودآوردی است که کودک از پدر، مادر و نیاکان خود گرفته و هنگام زادن با خود به دنیا آورده است. تأثیر وراثت را در تکوین شخصیت کودک نمی‌توان

انکار کرد. پژوهش‌های سال‌های اخیر در زمینه علم وراثت نشان می‌دهد که پاره‌ای از ناهنجاری‌های کروموزومی تأثیر ژرفی در عواطف، هیجان‌ها و به‌طور کلی رفتار انسان دارد. ویژگی‌های اکتسابی شخصیت انسان سبب می‌شود، پاره‌ای از استعدادها بالقوه ارثی شکوفا شود، یا به‌عکس سد راهی برای بالندگی آن فراهم شود. این ویژگی‌ها که در جرم‌زایی آنها نمی‌توان تردید کرد، نیازمند بررسی، شناسایی و سپس اقدام مناسب برای کنترل و پیشگیری به‌منظور جلوگیری از جرم هستند. پیشگیری از جرم که مؤثرترین و بهترین راه مبارزه با رفتار کجروانه و ناهنجاری‌های اجتماعی است، جایگاه والا و ارزشمندی در سیاست جنایی کشورها دارد. از دیدگاه علمی، جلوگیری از بروز هر مفسده و معضل اجتماعی و فردی، بهترین شیوه مبارزه با آن است. این مهم، از نظر اقتصادی نیز باصرفه است؛ چراکه نیرو و مدت زمان زیادی در مسیر مبارزه با آن به هدر نمی‌رود.

اهمیت و لزوم بررسی این موضوع از دیدگاه متقن‌ترین منبع دینی ما، یعنی قرآن، بر کسی پوشیده نیست تا روشن شود که این کتاب آسمانی برای علل روانی بزرگ‌ترین معضل اجتماعی انسان‌ها در طول تاریخ چه راه‌کارها و رهنمودهایی ارائه داده است، از سوی دیگر در حدود معلومات این قلم؛ کاری علمی کافی نیز روی این موضوع صورت نگرفته است، مگر برخی تحقیقاتی که در لابلاي بحث، بخشی از تحقیق را به این موضوع اختصاص داده است، که پایان‌نامه‌های آتی از این دسته‌اند (رحیمیان امیری، ۱۳۷۳) و (صالحی، ۱۳۸۹) این پایان‌نامه‌ها که جز چکیده آن در اختیار راقم نبود، سیر کار را عوض کرد و با توجه به مجال اندک از اول قرآن کریم تا پایان جزء ششم با این رویکرد مطالعه شد و نسبت به بقیه قرآن نگاهی گذرا صورت گرفته است.

## تعریف جرم

صاحبان اندیشه هر کدام با توجه به حوزه تخصصی خود، تعریفی از جرم ارائه کرده‌اند. بنابراین، تعریف خاصی که مورد قبول همه آن‌ها باشد، وجود ندارد. حقوق‌دانان به تعریفی که قانون از جرم نموده بسنده کرده‌اند، در حالی که جامعه‌شناسان براساس معیارهای جامعه‌شناختی به تعریف جرم پرداخته‌اند.

الف) از دیدگاه حقوقی

عده‌ای از حقوق‌دانان معتقدند که نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد،



نگاه علمی به مسائل و مسائلی که در جرم‌زایی آنها  
برآورد می‌شود

جرم نامیده می‌شود (تاج زمان، ۱۳۶۴: ۴۳).

برخی با حذف بعضی قیده‌ها، آن را با عبارت کوتاه‌تری تعریف کرده و گفته‌اند: جرم عبارت است از: هر فعلی که قانون آن را ممنوع اعلام کرده و فاعلش را مستحق مجازات دانسته است، یعنی در واقع، جرم (یا جنایت) عبارت است از: زیر پا گذاشتن قوانین جزایی (جولیوس، ۱۳۷۶: ۳۲۰). نکته قابل توجه این است که نه تنها جرم بودن یک عمل از نظر یک دولت در دوره‌های متفاوت فرق می‌کند، بلکه تعریف جرم در کشورها و دولت‌های مختلف نیز متفاوت است. در کشورهایی که اهتمام بر حفظ آزادی فردی است با کشورهایی که این چنین نیست، جرم به دو صورت تعریف شده است از جمله، در حقوق کیفری ایران هر فعل یا ترک فعل که مطابق قانون، قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب می‌شود و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست، مگر به موجب قانون برای آن مجازات و یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۸۳، ماده دوم).

در سوئیس، کسی را نمی‌توان مجازات کرد، مگر این‌که عملی را که مطابق قانون برای آن مجازات تعیین شده مرتکب شود (قانون جزایی سوئیس، ماده یکم). در مجموعه قوانین کیفری فرانسه، تعریفی از جرم به عمل نیامده فقط به ذکر نوع جرائم با توجه به مجازات آن‌ها اکتفا شده است. جرمی که مجازات آن پلیسی باشد «خلاف»، جرمی که مجازات آن تأدیبی باشد «جنحه»، جرمی که کیفر آن جنایی باشد «جنایت» است (مجموعه قوانین کیفری فرانسه، ماده یکم).

در قوانین کیفری بیش‌تر کشورهای سوسیالیستی، جرم تعریف نشده و اطلاق حالت خطرناک به افراد به معنای وسیع، پذیرفته شده است؛ از جمله در شوروی (سابق)، هر فعل یا ترک فعل که برای اجتماع، خطرناک باشد و رژیم سیاسی و اجتماعی شوروی، سیستم اقتصادی سوسیالیستی حقوق سیاسی، کار و همچنین نظام قانونی جامعه سوسیالیستی را به خطر افکنده و مورد تجاوز قرار دهد جرم و مستوجب کیفر است (قانون اصول بنیادی قوانین کیفری شوروی، بند «۱»، ماده (۷)).

ماده مذکور عیناً در تمام قوانین جزایی جمهوری‌های اتحاد شوروی (سابق) تکرار شده است. بدین روی، تفسیر جرم و حیطة اطلاق حالت خطرناک، بسیار وسیع و حدود قانونی بودن مجازات برای حفظ آزادی فردی، مشخص نیست. همین نگاه را می‌توان در نگاه جرم‌شناسی به جرم ملاحظه کرد، چرا که قلمرو جرم جرائمی را که موجب واکنش غیررسمی جامعه بشود مانند قهر اجتماعی را نیز، در بر می‌گیرد.

ب) ازدیدگاه فقهی

از سوی دیگر ممکن است که در شناخت جرم از مذهب و شریعت الهام بگیریم، که توجه خاص به تزییع حق الله و حق الناس دارد و شامل مسائلی می شود که دارای مفاسد شخصی و اجتماعی است. این رویکرد نیز در عمل موجب تفاوت زیاد با رویکرد حقوقی به جرم می شود، زیرا در مفهوم حقوقی، احیاناً مسائلی شخصی و خصوصی جرم نیست، به عبارت دیگر رابطه میان جرم فقهی و جرم قانونی عموم و خصوص من وجه است. در کنفرانس اجرای حقوق کیفر اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرایم، جرم این گونه تعریف شده، است:

«جرم؛ مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت، یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد، هر جرم را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده و یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۶۹).

با قطع نظر از صحت و سقم این تعریف - که جای بررسی آن در این نوشتار نیست - جرمی که در این تحقیق محل بحث است، آن است که در شریعت جرم باشد و براساس این تعریف است که عوامل روانی جرم شناسایی خواهد شد؛ ولی قبل از هرگونه تحقیق در این موضوع شناخت کلمات قرآنی معادل جرم بسیار ضروری است، درخصوص مشتقات و معنای دقیق این واژه‌ها و نیز تعداد تکرار آن، به کتب تفسیری و... مراجعه شود (قرائتی).

واژه‌های گناه در قرآن

در زبان قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام با واژه‌های مختلف، از گناه یاد شده است، که هر کدام گویی از بخشی از آثار شوم گناه پرده برمی دارد و بیانگر گوناگون بودن گناه است. اما واژه‌هایی که در قرآن در مورد گناه آمده، عبارتند از: ۱. ذنب، ۲. معصیت، ۳. اثم، ۴. سیئه، ۵. جرم، ۶. حرام، ۷. خطیئه، ۸. فسق، ۹. فساد، ۱۰. فجور، ۱۱. منکر، ۱۲. فاحشه، ۱۳. خبث، ۱۴. شر، ۱۵. لمم، ۱۶. وزر و ثقل، ۱۷. حنث (قرائتی).

عوامل روانی جرم در قرآن کریم

۱. برتری جوی و استکبار:

یکی از خصلت‌های روانی که از نظر قرآن موجب ارتکاب جرم می شود و انسان را وا می دارد که به عصیان امر خداوند پردازد عبارت است از: استکبار و تکبر که نمونه آن



در قرآن؛ سرپیچی شیطان است از سجده نمودن آدم. قرآن کریم می‌فرماید: واذ قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس ابى و استكبر وكان من الكافرين. و لقد آتينا موسى الكتاب و قفينا من بعده بالرسول و اتينا عيسى بن مريم البنات و ايدناه بروح القدس افكلما جائكم رسول بما لا تهوى انفسكم استكبرتم ففريقا كذبتم و فريقا تقتلون. (بقره/۳۴ و ۸۷) و یاد کن هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده و خضوع کنید همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید و به خاطر نافرمانی و تکبرش از کافران شد. در آیه دیگر قرآن کریم می‌فرماید: ما به موسی کتاب تورات دادیم و بعد از او پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم و به عیسی بن مريم دلایل روشن دادیم و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم. آیا چنین نیست که هر زمان پیامبری چیزی برخلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید؛ پس عده‌ای را تکذیب کرده و جمعی را به قتل رساندید؟ مطابق این آیات روحیه استکبار احیاناً موجب جرم قتل آن هم قتل مصلحان و رسولان الهی می‌شود. هم‌چنانکه مخالفت امر خداوند و تکذیب انبیای الهی نیز معلول خصلت برتری جوی دانسته شده است. ارتباط میان جرم و تکبر در آیه دوم روشن است، و فاء تفریغیه به خوبی آن را به اثبات می‌رساند. در آیه اول که داستان آدم و شیطان را متعرض شده است؛ اگر رابطه جرم و تکبر در آن مورد مناقشه باشد، با توجه به بقیه آیات که متعرض این داستان شده است؛ جای هیچ تردید باقی نمی‌ماند. قرآن کریم در سوره اعراف ضمن طرح این مطلب می‌فرماید: قال ما منعك الا تسجد اذ امرتك قال انا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين. قال فاهبط منها فما يكون لك ان تتكبر فيها فاخرج انك من الصاغرين (اعراف/۱۲ و ۱۳) خداوند به او فرمود: در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟ گفت: من از او بهترم مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل. گفت از آن مقام و مرتبه‌ات فرود آی. تو حق نداری در آن مقام و مرتبه تکبر کنی. بیرون رو که تو از افراد پست و کوچکی.

ذکر این نکته ضروری است که کشف رابطه میان جرم قتل و یا تکذیب انبیا و یا نافرمانی دستور خداوند توسط شیطان و تکبر، رابطه انحصاری و به اصطلاح علت تامه نیست؛ به عبارت دیگر نه همیشه سبب قتل و بقیه این جرائم تکبر است و نه تکبر همیشه علت این جرائم است؛ ممکن است جرائم بسیاری یافت شود که با این خصلت در ارتباط باشد و قرآن هم آن را تأیید کند.

## ۲. حسد

حسد که یکی دیگر از عیوب روانی ما انسان‌هاست، از نظر قرآن رابطه بسیار نزدیکی با

برخی جرائم دارد، که یکی از این جرائم کوشش برای به انحراف کشاندن دیگران است. قرآن می‌فرماید: ود كثير من اهل الكتاب لو يردونكم من بعد ايمانكم كفارا حسدا من عند انفسهم من بعد ماتبين لهم الحق (بقره/ ۱۰۹): بسیاری از اهل کتاب از روی حسد که در وجود آنها ریشه دوانده آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام و ایمان به حال کفر باز گردانند؛ با این که حق برای آنها کاملاً روشن شده است... از آیه کریمه استفاده می‌شود که نعمت‌های معنوی مانند رسیدن به دین حق و ... همانند نعمت‌های مادی ممکن است مورد حسد حاسدان واقع گردد و آنان تلاش خواهند نمود که این نعمت را از دست صاحبان آن بگیرد.

در سوره یوسف حسد برادران، کار را به جایی می‌رساند که آنان تصمیم می‌گیرند یا یوسف را بکشند و یا این که به زمین دور دستی تبعید کنند، که باز قتل را در پی داشت؛ ولی سرانجام یکی از برادران که وجدان قوی تری داشت به این نقشه رضایت نداد و پیشنهاد انداختن او را به قعر چاه نمود. قرآن کریم می‌فرماید: اذ قالوا ليوسف واخوه احب الي ابينا منا ونحن عصبة ان ابانا لفي ضلال مبين. اقتلوا يوسف او اطرحوه ارضا يخل لكم وجه ابئكم وتكونوا من بعده قوما صالحين. قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف والقوه في غيابت الجب يلتقطه بعض السيارة ان كنتم فاعلين (يوسف/ ۱۰-۸): هنگامی که برادران گفتند: یوسف و برادرش بنیامین نزد پدر از ما محبوب‌ترند؛ در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم؛ مسلماً پدر ما در گمراهی آشکاری است. یوسف را بکشید، یا او را در سرزمین دور دستی بیفکنید؛ تا توجه پدر فقط به شما باشد و بعد از آن از گناه خود توبه می‌کنید و افراد صالحی خواهید بود. یکی از آنها گفت: یوسف را نکشید و اگر می‌خواهید کاری انجام دهید، او را در نهانگاه چاه بیفکنید؛ تا بعضی از قافله‌ها او را برگیرند و با خود به مکان دوری ببرند.

در این آیات اگرچه صریحاً سخن از واژه حسد در میان نیست؛ ولی ظاهر آیات همین معنا را می‌رساند و مفسرین نیز چنین برداشتی را دارند (مکارم شیرازی و همکاران: ۳۲۲). حسد میان یوسف و برادران، کارش به این جا هم تمام نمی‌شود و قرآن تصریح می‌کند که سال‌ها بعد از این واقعه و رفتن برادران به مصر برای آذوقه، یکبار دیگر اثر این رذیله بروز می‌کند و برادران یوسف دسته‌جمعی آن بزرگوار را متهم به سرقت می‌کنند و آشکارا دروغ می‌گویند. قرآن در همین رابطه می‌فرماید: برادران گفتند: اگر او (بنیامین) دزدی کند جای تعجب نیست، برادرش یوسف نیز قبل از او دزدی کرد (یوسف/ ۷۷).

به اضافه آن‌چه مطرح گردید؛ در داستان دعوی فرزندان حضرت آدم، که منجر به قتل شد و اولین جرم از نظر تاریخی است، می‌بینیم که ریشه در حسد دارد و قبول شدن عمل

یکی از برادران در پیشگاه خداوند دیگری را وادار به قتل برادرش کرد. قرآن کریم می‌فرماید: *واتل علیهم نبا ابنی آدم بالحق اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما ولم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک قال انما يتقبل الله من المتقين. .... فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله فاصبح من الخاسرین* (مائده/ - ۲۷ ۳۰) و داستان دو فرزندان آدم را بحق بر آن‌ها بخوان: هنگامی که هر کدام کاری برای تقرب به پروردگار انجام دادند؛ اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد؛ برادری که عملش مردود شده بود به برادر دیگر گفت: به خدا سوگند تو را خواهم کشت. برادر دیگر گفت: من چه گناهی دارم زیرا خدا تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد..... نفس سرکش کم‌کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد؛ سرانجام او را کشت؛ و از زیانکاران شد.

از مجموعه آیات که مورد اشاره واقع شد، به دست می‌آید که حسد یکی از عوامل بسیار مؤثر ارتکاب جرم از نظر قرآن کریم است؛ جرائمی مانند: قتل، تهمت زدن، کوشش برای تشویش و انحراف مردم از حق و حقیقت، بخشی از جرائمی است که ریشه‌اش حسد است.

### ۳. ضعف و کاستی ایمان

نقش ایمان مذهبی در کاستن جرائم اجتماعی بر کسی پوشیده نیست و هر قدر ایمان استوار باشد تعهد و التزام انسان در برابر قواعد و نورم‌های رفتار اجتماعی، قوی‌تر است. ایمان به انسان مصونیت می‌بخشد و در برخی موارد؛ عنصر بی‌بدیل برای جلوگیری از وقوع جرم است. در جریان حضرت یوسف سلام الله علیه ایمان است که مانع وقوع جرم منافی عفت می‌شود و بعید است که هیچ عامل دیگری در چنین موارد حساس بتواند، این نقش را ایفا کند.

اگر ایمان مذهبی در انسان سست شود، به موازات آن احتمال وقوع جرم افزایش می‌یابد. البته ضعف ایمان گاهی ممکن است به علل شناختی برگردد و در مواردی به علل روانی - که این مقوله فعلاً مورد نظر ما نیست - آنچه مهم است این است که ضعف ایمان یک پدیده روانی است و از نظر قرآن می‌تواند سبب جرم واقع شود. در جنگ احزاب که از آیه نهم تا بیست و هفتم سوره احزاب جریان آن مفصل بیان شده است، می‌بینیم که خوف از دشمن، مهم‌ترین زمینه امتحان اهل ایمان می‌شود. در آیه پانزدهم همین سوره تأکید شده است که قبل از جنگ همه مسلمانان عهد بسته بودند، که فرار نکنند، ولی وقتی فشار آمد و دشمن از هر سو هجوم آورد، منافقان و برخی از مؤمنان ضعیف‌الایمان در صداقت و وعده‌های رسول اکرم (ص) دچار شک شدند. ولی مؤمنان واقعی و قوی‌الایمان بر ایمان‌شان افزوده شد و گفتند که خدا و رسول راست گفته‌اند. در هر صورت مسلمانان که قبل از آن همگی در صف واحد بودند، در اثر این فشار به گروه‌های مختلف تقسیم شدند و باطن خود را آشکار ساختند.



در این حادثه جمعی از مسلمانان نقض عهد کردند، به وعده‌های خدا و رسول شک کردند، برخی در صدد ایجاد ارتباط با دشمنان برآمدند، حاصل آن که چندین جرم را مرتکب شدند، که علت اصلی آن ضعف ایمان بود. با توجه به این که این آیات طولانی است به آوردن چند نمونه اکتفا می‌شود: واذ یقول المنافقون والذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا. ولقد کانوا عهدوا الله من قبل لایولون الا دیار وکان عهد الله مسئولا. ولما رأ المومنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما زادهم الا ایمانا وتسلیما (احزاب/ ۱۲-۱۵-۲۲): و نیز به خاطر آوردن زمانی را که منافقان و بیماردلان می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند. در حالی که آنان قبل از این با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند؛ و عهد الهی مورد سؤال قرار خواهد گرفت.... اما مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده و خدا و رسولش راست گفته‌اند و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود.

در خصوص این عامل می‌توان نمونه‌های زیاد دیگری ارائه کرد، که به ذکر یک نمونه از امت‌های پیشین اکتفا می‌گردد و آن داستان حضرت طالوت و پیروانش هست که فقط جمع اندکی که ایمان بهتر داشتند توانستند از عهده امر ایشان و آزمایش خداوند برآیند: / فلما فصل طالوت بالجنود قال ان الله مبتلیکم بنهر فمن شرب منه فلیس منی ومن لم یطعمه فانه منی الا من اغترف غرفةً ییده فشربوا منه الا قلیلا منهم فلما جاوزه هو والذین آمنوا معه... (بقره/ ۲۴۹) و هنگامی که طالوت به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد و سپاهیان را با خود بیرون برد، به آن‌ها گفت: خداوند شما را به وسیله یک نهر آب آزمایش می‌کند؛ آن‌ها که به هنگام تشنگی از آن بنوشند از من نیستند؛ و آنها که جز یک پیمانه با دست خود بیشتر از آن نخورند؛ از من هستند. پس جز عده کمی همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او و افرادی که با او ایمان آورده بودند و از بوته آزمایش سالم بدر آمدند، از آن نهر گذشتند....

#### ۴. لجاجت و تعصب و اصرار بر خواست‌های خویشتن

برخی انسان‌ها از نظر روانی حالت لجاجت دارند، و به هیچ‌وجه به افکار دیگران اعتنایی نمی‌کنند؛ چنین حالتی یقیناً گاهی انسان را به ارتکاب جرم و امی‌دارد، در قرآن کریم نمونه‌های فراوان تعصب بیجا و غیرمنطقی، که نتیجه آن مخالفت انبیای الهی بوده است، مشاهده می‌شود. از قول حضرت نوح در قرآن آمده است: قال رب انی دعوت قومی لیلای و نهارا فلم یزدهم دعائی الا فرارا وانی کلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا اصابعهم فی آذانهم واستغشوا ثیابهم واصروا واستکبروا استکبارا (نوح ۷-۵): نوح گفت: پروردگارا من قوم خود



را شب و روز به سوی تو دعوت کردم؛ اما دعوت من چیزی جز فرار از حق برآنان نیفزود و من هر زمان آن‌ها را دعوت کردم که ایمان بیاورند و تو آن‌ها را بیماری، انگشتان خویش را در گوشه‌هایشان قرار داده و لباسهایشان را بر خود پیچیدند، و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدت استکبار کردند.

در جریان تغییر قبله راجع به تعصب گروهی از اهل کتاب آمده است: ولئن اتیت الذین اوتوا الكتاب بكل آیه ما تبعوا قبلتک (بقره/۱۴۵): سوگند که اگر برای این گروه از اهل کتاب، هرگونه آیه و نشانه و دلیلی بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهند کرد.

### ۵. ترس از گرسنگی

ترس و هراس در بسیاری از موارد جرم‌زا است؛ که یکی از این موارد ترس از گرسنگی است. در اعصار گذشته با توجه به کمبود مواد غذایی در مقایسه با امروز، این خوف و هراس بیشتر بود، و اولین قربانی این خوف هم اقشار ضعیف اجتماع مانند پسران و دختران خردسال بودند. قرآن کریم در دو جا این جرم زشت را منع کرده، و خوف و هراس را با وعده به رزق برطرف می‌کند: ولا تقتلوا اولادکم خشیة اطلاق نحن نرزقهم وایاکم ان قتلهم کان خطا کبیرا (اسراء / ۳۱ / و انعام / ۱۵۱): و فرزندان‌تان را از ترس فقر نکشید؛ ما آنها و شما را روزی می‌دهیم. مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است.

### ۶. محبت و عشق

علاقه وافر به چیزی و رسوخ آن در اعماق قلب انسان، اراده انسان را ضعیف و او را به خود می‌کشاند. اگر محبت به خداوند و نیکی‌ها تعلق گیرد، مایه سعادت انسان و رستگاری او می‌شود. ولی احياناً محبت‌های زیان‌آور انسان را اسیر می‌کند که نتیجه‌اش جرم و جنایت و تباهی انسان است؛ قرآن کریم در داستان حضرت یوسف، از قول زنان مصر در حق زلیخا می‌فرماید: / وقال نسوة فی المدینة امرأت العزیز تراود فتاها عن نفسه قد شغفها حبا انا لנراها فی ضلال مبین. (یوسف / ۳۰): گروهی از زنان شهر گفتند: همسر عزیز جوانش را به‌سوی خود دعوت می‌کند. عشق این جوان در اعماق قلبش نفوذ کرده؛ ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.

در هر حال به نص قرآن کریم این محبت، زلیخا را وادار به دروغ‌گویی، زیرا گذاشتن حریم عفت و زندانی کردن یک جوان بی‌گناه و.. کرد. البته قرآن کریم محبت به حق و حقیقت، خداوند، پیامبران و انسان‌های کامل را امری ممدوح می‌داند، که بسط این بحث از قلمرو این مقاله خارج است.

## ۷. فراموشی خداوند

قرآن کریم یکی از علل روانی جرم را فراموشی خداوند می‌داند. در این رویکرد؛ فراموشی خداوند بدترین معامله است که یک انسان می‌تواند دچار آن شود؛ معامله که در پی آن هزاران جرم و صدها ضرر و زیان متوجه انسان می‌شود. قرآن چنین افرادی را فرد فاسق یعنی کسی که از اطاعت خداوند خارج شده است، معرفی می‌نماید؛ ولی این که در کجا و با چه امری و با ارتکاب چه جرمی او فاسق شده است، مطلبی ندارد.

در منطق قرآن یاد خداوند؛ موجب آرامش دل‌هاست و سکون را برای انسان به ارمغان می‌آورد، ولی فراموشی خداوند، انسان را فاسد و تباه و زمینه مجرمیت او را فراهم می‌نماید: ولاتکونوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم اولئک هم الفاسقون. (حشر / ۱۹): وهم چون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به خود فراموشی گرفتار کرد؛ آن‌ها فاسق‌اند.

## ۸. ضعف ایمان به قیامت و حسابرسی

نقش بازدارندگی و حفاظتی ایمان به معاد و روز واپسین، در بهداشت اجتماعی از جرم؛ قابل انکار نیست، از سوی دیگر کاهش و سستی باور به معاد، انسان را جری و جامعه را جرم‌زا می‌نماید، امکان ندارد، فرد و جامعه معتقد به قیامت و نظام ثواب و کیفر الهی، با جامعه که منکر آن است در شرایط مساوی؛ آمار جرائم ارتكابی آن مساوی باشد؟ قرآن کریم یکی از عوامل کم‌فروشی را ضعف ایمان به قیامت می‌داند و می‌فرماید: ویل للمطففین الذین اذا اکتالوا علی الناس یستوفون و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون الا یظن اولئک انهم مبعوثون لیوم عظیم. (مطففین / ۵-۱) وای بر کم‌فروشان آنان که وقتی برای خود پیمان می‌کنند، حق خود را به‌طور کامل می‌گیرند؛ اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمان یا وزن کنند، کم می‌گذارند آیا آنها گمان نمی‌کنند که برانگیخته می‌شوند در روزی بزرگ؟

## ۹. امید و آرزوی کاذب و بی‌اساس

یکی دیگر از زمینه‌های روانی گناه آرزوهای بیهوده و بی‌اساس است که انسان بدون حرکت و عمل در انتظار خوشبختی و پاداش و ترقی باشد که معمولاً افراد خیالاتی به این حالت دچار می‌شوند و مرتکب هر گناهی شده و می‌گویند خدا «ارحم الراحمین» است. این گونه امید نه تنها عامل تکامل نیست، بلکه انسان را از درون تهی کرده و زمینه سستی و بی‌عاری را که بذره‌های گناه هستند، در انسان پدید می‌آورند.

در آیه ۲۱۸ سوره بقره می‌خوانیم: ان الذین آمنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمت الله و الله غفور رحیم (بقره / ۲۱۸): «تنها کسانی که ایمان آورده و



مهاجرت کرده‌اند و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.»

در این آیه امید در کنار ایمان، هجرت و جهاد آمده است. در سوره بقره راجع به یکی از آرزوهای یهود و نصارا، می‌خوانیم: و قالوا لن يدخل الجنة الا من كان هودا او نصارى تلك امانيههم قل هاتوا برهانكم ان كنتم صادقين (بقره/ ۱۱۱): آن‌ها گفتند: هیچ‌کس جز یهود یا نصاری هرگز داخل بهشت نخواهد شد. این آرزوی آن‌هاست. بگو: اگر راست می‌گویید دلیل خود را (براین موضوع) بیاورید. مطابق این آیه شریفه؛ یهودیان و مسیحیان با خیال‌پردازی بی‌اساس تصور می‌کردند که بهشت ویژه آنان است؛ در حالی که هیچ دلیلی نداشتند و همین خیال؛ آنان را به دروغ و خلاف‌گویی سوق داد. در حقیقت منطق قرآن این است که انسان باید با برهان و دلیل حرکت نماید، در غیر این صورت علاوه بر اشتباه فکری، دچار گناه و معصیت خواهد شد.

#### ۱۰. اعتقادات و باورهای نادرست

عقیده صحیح از نعمت‌های بزرگ خداوند است و کسانی که از این نعمت محروم‌اند ناگزیر به جرم کشیده می‌شوند؛ باید گفت که در برخی موارد فرد صاحب عقیده بدون هیچ کوتاهی به صحت باور خود یقین دارد که در این صورت صدق گناه و جرم و عقاب اخروی، بر رفتار چنین فردی دشوار است، اگرچه در حقوق جهل به قانون عذر محسوب نمی‌شود. کلام در جای است که فرد یقین ندارد و یا این‌که در رسیدن به یقین خود و در تحصیل مقدمات آن کوتاهی کرده است. یکی از موارد عقیده اشتباه، معتقد بودن به جبر است، که خداوند می‌فرماید: مشرکان برای تبرئه خود چنین می‌گویند: لو شاء الله ما اشرکنا و لا اباؤنا و لا حرمنا من شیئی (مائده/ ۱۴۸): اگر خدا می‌خواست، نه ما مشرک می‌شدیم و نه پدران ما و نه چیزی را تحریم می‌کردیم. به این ترتیب، گناه خود را که شرک به خدا و تحریم حلال خدا هست به جبر، نسبت می‌دهند. مانند این مطلب در آیه ۳۵ سوره نحل و ۲۰ سوره زخرف آمده است، که مشرکان قائل به جبر بودند و در پوشش جبر، به گناه خود ادامه می‌دادند؛ «و قالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم:» آنان گفتند اگر خدا می‌خواست، ما آنها (بت‌ها) را پرستش نمی‌کردیم.» خداوند درباره پندار آنها می‌گوید: «ان هم الا یخړصون: آنها جز دروغ، چیزی نمی‌گویند.»

#### ۱۱. اعتقاد غیرمنطقی به روش و دستور بزرگان

هر انسانی ناگزیر متأثر از الگوهایی است که در زندگی خود دارد و نیز در برخی موارد ملزم است که به دستورات مافوقش متعهد باشد؛ که نمونه بارز آن سلسله‌مراتب اداری است

که در نهادهای نظامی و انتظامی این شیوه ظهور بیشتری دارد. آنچه مد نظر ماست مورد اول است که انسان احیاناً با تعطیل کردن عقل و نادیده گرفتن مسلمات وحی، قدم در جای قدم بزرگان می‌گذارد؛ امری که از نظر قرآن اشتباه و انسان را در وادی جرم و گناه می‌کشاند و بنابراین در قرآن آمده: (و قالوا ربنا انا اطعنا سادتنا و کبرائنا فاضلونا السیلا): کافران در دوزخ می‌گویند: خدایا ما از رؤسا و بزرگان خود اطاعت کردیم و آنها ما را گمراه ساختند. اما این توجیهاات هرگز در درگاه خدا پذیرفته نمی‌شود؛ و می‌بینیم که این روش در زندگی موجب گمراهی فرد شده است، گمراهی که نتیجه‌اش استحقاق آتش جهنم شده است. در این راستا آیاتی که تقلید کورکورانه از پدران را نکوهش می‌نمایند. در حقیقت این آیات بر اعتدال و میانه‌روی و به‌کارگیری فکر و اندیشه در زندگی تأکید می‌کند؛ چنانچه در یکی از این آیات آمده است: (واذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما افینا علیه آبائنا اولوکنا ابائهم لایعقلون شیئا ولا یتهدون). (بقره / ۱۷۰): و هنگامی که به آنها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم. آیا اگر پدران آنها چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد؟)

## ۱۲. وسوسه شیطان

با توجه به این که شیطان در قلب انسان رخنه می‌کند و زمینه میل انسان را به گناه فراهم می‌نماید، بنابراین مناسبت دارد که یکی از عوامل روانی ارتکاب جرم و وسوسه شیطان باشد؛ قرآن کریم در خصوص نقش شیطان، اصرار و طمع او نسبت به انحراف انسان‌ها آیات زیادی دارد، که به یک نمونه اکتفا می‌شود: یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالا طیبا ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین\* انما یامرکم بالسوء و الفحشاء وان تقولوا علی الله مالا تعلمون. (بقره / ۱۶۸ و ۱۶۹): ای مردم از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، چه این که او دشمن آشکار شماست، او شما را فقط به بدی‌ها و کار زشت فرمان می‌دهد (و نیز دستور می‌دهد) آنچه را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید. مطابق این آیه شریفه، شیطان با زمینه‌سازی و وسوسه انسان را به ارتکاب گناهی چون فحشاء و بدی‌ها و افتراء نسبت به خداوند وادار می‌کند. عللی که در این مختصر به آن اشاره شد؛ تنها بخشی از علل روانی جرم و گناه در قرآن کریم است، یقیناً پژوهشگران بعدی با مطالعه کامل قرآن کریم با این رویکرد به علل جدیدی دست خواهند یافت و با تکمیل این پروژه بخشی از سیاست‌های اسلام کامل می‌شود و اشاره گردید، این قلم صرفاً سیری در این موضوع با نگاه و رویکرد قرآنی داشته است.



## نتیجه گیری

حاصل آن که جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی همانند دیگر پدیده های اجتماعی، دارای ابعاد مختلفی است و عوامل متعددی می تواند، در پیدایش آن نقش داشته باشد و به همین دلیل، تغییر و تحول پدیده های اجتماعی به کندی صورت می گیرد. بنابراین، اگر علل روانی و یا محیط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و یا عوامل دیگر در میزان و تولید جرم تأثیر مستقیم دارد، به صرف تشدید مجازات برای مجرمان یا برخورد شدید نیروهای انتظامی با آنان یا ایجاد رفاه اقتصادی و بالا بردن سطح معیشت زندگی، نمی توان از بروز جرائم در یک کشور جلوگیری کرد، بلکه پیش گیری از ارتکاب جرائم افراد، تلاش همه جانبه ای را در تمام ابعاد طلب می کند تا بتوان در این زمینه، به موفقیت هایی دست یافت، از سوی دیگر شکست تمام و یا بیشتر راه حل های بشری در میدان آزمون و خطا در عرصه های گوناگون، این حقیقت را به وضوح به اثبات می رساند که بشر با اتکای صرف به عقل خود، بدون استمداد از آموزه های وحیانی، نمی تواند برنامه جامعی را برای پیش گیری تدوین و برطبق آن با ناهنجاری ها و کجروی ها مبارزه کند. از این رو، ضروری است که به منظور پیش گیری از جرائم و شیوع و گسترش آنها از آموزه های قرآنی استفاده کرد. هدف این مقاله بررسی عوامل روانی جرم از منظر قرآن کریم بود، که در این میان به عواملی از قبیل ضعف ایمان به قیامت و روز واپسین، حسد، وسوسه شیطان و.. اشاره شد. همچنین به دست آمد که قرآن کریم به پیشگیری از جرم اهتمام جدی دارد، بنابراین برای مبارزه با ناهنجاری ها قبل از هر چیز به عوامل و اسباب گناه توجه کرده است.

## منابع:

- تاج زمان، دانش. (۱۳۶۴). مجرم کیست جرم شناسی چیست. تهران: مؤسسه کیهان.
- جولیس گولد ویلیام ل کولب. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام و دیگران، تهران: مازیار.
- خسرو شاهی، قدرت الله. (۱۳۸۲). «پیش گیری از جرم در آموزه های قرآنی»، فصلنامه بصیرت، سال نهم، ش ۳۴.
- رحیمیان امیری، محمد. (۱۳۷۳). آسیب شناسی اجتماعی: عوامل و ریشه های درونی جرم و انحراف از دیدگاه قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شعاع کاظمی، مهرانگیز. (۱۳۸۵). جرم و راه های پیشگیری از آن، مجله معرفت، شماره ۱۰۳.
- صالحی، حکیمه. (۱۳۸۹). «بررسی علل و ریشه های جرم از دیدگاه قرآن کریم»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی، دانشکده علوم قرآنی تهران.
- قانون اصول بنیادی قوانین کیفری شوروی.
- قانون جزایی سوئیس مصوب اول اکتبر ۱۹۷۶.

## علل و عوامل روانی جرم از منظر قرآن کریم

- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۴). بایسته‌های حقوق جزای عمومی تهران: نشر میزان، چاپ یازدهم.
- مجموعه قوانین کیفری فرانسه مصوب ۱۶ فوریه، ۱۸۱۰. (۱۳۸۶). ترجمه محمدرضا گودرزی، محمدرضا و لیلا مقدادی، چاپ اول، قم.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، جلد ۹.
- میرخلیلی، محمود. (۱۳۸۳). «پیش‌گیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام»، مجله فقه و حقوق، ش ۱.
- دادستان، پریخ. (۱۳۸۷). روان‌شناسی جنایی، تهران: سازمان سمت، چاپ ششم.
- قانون مجازات اسلامی. (۱۳۸۳). چاپ بیست و هفتم.
- قرائتی، محسن، گناه‌شناسی، نرم‌افزار مجموعه آثار حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

